

شخصیت قرآنی امام جواد(ع)

معصومه السادات حسینی میرصفی*

چکیده

قرآن کریم به عنوان بزرگ‌ترین پشتوانه، در سیرهٔ ائمه معصومین (ع) متجلی است. لذا آشنایی با شخصیت فردی و اجتماعی، خصایص و ویژگی‌های عملی و رفتاری زندگانی هر یک از ائمه هدی جهت اجرای شیوه‌های رفتاری ایشان در عصر حاضر لازم و ضروری است و تأثیریه‌سنزایی بر شخصیت و رفتار انسان‌ها دارد. بر همین اساس نویسنده این مقاله برآن است که برخی از صفات و ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی قرآنی امام جواد(ع) را معرفی نماید.

کلید واژه‌ها: شخصیت قرآنی، امام جواد(ع)، سیرهٔ ائمه، شخصیت اخلاقی.

مقدمه

بعد از رسول اکرم (ص) که اسوهٔ کامل مکتب اسلام و احیاگر راستین توحید و نفی شرک و پیروی از طاغوت است، ائمه معصومین (ع) حجت خدای تعالی و اسوه و سرمشق

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران شرق.

عملی مؤمنین می باشند که در طول زندگانی افتخار آمیز خود به منظور دعوت إلى الله و سوق دادن انسان ها به سوی صفات و رفتار های نیک، تلاش بسیار نموده اند. قرآن به عنوان بزرگ ترین پشتوانه برای اهل بیت عصمت و طهارت^(ع) است و بر اساس حدیث ثقلین و به فرموده حضرت رسول (ص)، قرآن کریم و اهل بیت (ع) قرین یکدیگرند. بنابراین آشنایی با شخصیت فردی و اجتماعی، خصایص و ویژگی های عملی و رفتاری زندگانی هریک از ایشان در عصر حاضر لازم و ضروری است و تأثیر به سزایی بر شخصیت و رفتار انسان ها دارد. حضرت امام محمد تقی (ع) معروف به جواد الأئمه نهمین امام، پیشوا و سنگربان تشیع با پشتوانه مدد الهی و شخصیت منبعث از آموزه های ناب قرآنی می باشد که در این مقاله به سیره عملی - قرآنی ایشان خواهیم پرداخت.

ولادت و اسامی و القاب امام (ع)

حضرت امام محمد تقی، جواد الأئمه (ع) در سال ۱۹۵ هجری، در شهر مدینه در شب جمعه نیمه ماه مبارک رمضان به دنیا آمد.^۱ و در سال ۲۲۰ هجری به شهادت رسید.^۲ نسب حضرت محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف و کنیه ایشان ابا جعفر، و کنیه خاص ایشان ابوعلی و از جمله القاب ایشان الزکی، والمرتضی، والتقی، والقانع، والرضی، والمختار، والمتوکل، والجواد است.^۳ نام مادر حضرت ریحانه با کنیه أم الحسن است و نیز گفته شده که نام مادرش سبیکه و یا خیزران است.^۳

شیوه های رفتاری و شخصیت قرآنی امام جواد (ع)

در این قسمت با استناد به آیات قرآن کریم، ضمن مطالعه سیره امام جواد (ع)، به برخی از شیوه های عملی حضرت امام جواد (ع) که منطبق بر شیوه های قرآنی است، اشاره خواهد شد.

آراستگی ظاهر: یکی از لوازم رسیدن به تعالی روحی، توجه به سالم سازی جسم است. بر این اساس دین مبین اسلام بر نظافت و آراستگی به عنوان یکی از ضروریات حضور در اجتماع تأکید دارد. خداوند متعال در قرآن کریم از لباس به عنوان عاملی

برای آراستگی اشاره دارد و می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ وَرِبَشًا» (الأعراف، ۲۶/۷)؛ «ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می‌پوشاند و مایه زینت شماست».

حضرت امام جواد (ع) علاوه بر صفای باطنی به آراستگی ظاهر برای حضور در اجتماع اهمیت می‌دادند. یکی از زمان‌های بروز آراستگی، در نماز و برای اعلام ادب صحبت با پروردگار است که مورد توجه ایشان بوده و علی بن مهزیار درباره سنت رفتاری ایشان و آراستگی با لباس چنین می‌گوید: رأیت أبا جعفر الثَّانِي (ع) يَصَلِّي الفريضة وغيرها في جبّة خزّ طاروني و كساني جبّة خزّ و ذكر أنّه لبسها على بدنه و صلّى فيها و أمرني بالصلاة فيها؛ امام محمد تقی (ع) را دیدم که نماز واجب و سنت و مستحب را در جبّه خزّ طارونی - نوعی خراست، یا بنا بر بعضی از نسخه‌ها طاروی یا خزّ یمنی - به جا می‌آورد، و به من نیز جبّه‌ای از خزّ بخشید و یادآوری فرمود که آن را به تن خویش کرده و در آن نماز گزارده است، و به من هم فرمود که در آن نماز کنم.^۴

توجه به مساکین: یکی از اصلی‌ترین علل فشارها و تهدیدهای اجتماعی، نابرابری درآمد با توجه به توزیع ناعادلانه ثروت و پیدایش طبقات اجتماعی بر اساس درآمد و امکانات در اختیار آنان است که طبقه فقیر و ثروتمند دو سوی این طیف اقتصادی هستند. آثار گوناگون فقر در جامعه اسلامی و ظهور یأس و ناامیدی، فقرزدایی را به عنوان یکی از اولویت‌های برنامه‌های اقتصادی جامعه اسلامی نمایان می‌سازد و وجود الگوی عملی برای دستگیری از مساکین، نویدی برای امید به زندگی برای فقرا و مساکین همیشه نگران حال و آینده خواهد بود؛ تا حاکمیت سرمایه نتواند ارزش والای انسان را لگدکوب نماید. توجه به وضعیت معیشت فقرا و مساکین، یکی از وظایفی است که حضرت امام جواد (ع) خود را مأمور به انجام آن می‌داند. اسماعیل بن عباس هاشمی می‌گوید: جئت إلی أبی جعفر (ع) یوم عید فشکوت إلیه ضیق المعاش فرفع المصلی و أخذ من التراب سبیکة من ذهب فأعطانیها فخرجت بها إلی السوق فکان فیها ستّة عشر مثقالاً من ذهب؛ روز عیدی بود که خدمت امام جواد (ع) رسیدم و نزد آن حضرت درباره تنگی زندگی و معاش، نالیدم. حضرت سجاده‌اش را بلند کرد و از خاک، تکه‌ای بیرون آورد، و به من داد. آن را به بازار بردم به اندازه شانزده مثقال طلا بود.^۵ و این گونه است که حضرت مصداق عملی این آیه شریفه از قرآن کریم است که

می فرماید: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (البقرة، ۲/۲۷۴)؛ «کسانی که اموال خود را در شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می کنند، آن ها را در نزد پروردگارشان پاداشی است در خور مقامشان، و [در آخرت] نه بیمی بر آن هاست و نه اندوهی خواهند داشت».

تواضع و فروتنی: طبق آموزه های قرآنی فروتنی و تواضع بندگان خالص خدا این گونه معرفی می شود: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (الفرقان، ۲۵/۶۳)؛ «بندگان [خاص خداوند] رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می روند؛ و هنگامی که جاهلان آن ها را مخاطب سازند [و سخنان نابخردانه گویند]، به آن ها سلام می گویند [و با بی اعتنایی و بزرگواری می گذرند].

پس مؤمنین، هم نسبت به خدای تعالی تواضع و تذلل دارند و هم نسبت به مردم چنین هستند، چون تواضع آنان مصنوعی نیست، واقعا در اعماق دل، افتادگی و تواضع دارند.^۶

دست یابی به فرصتی تربیتی برای آموزش مکارم اخلاق همواره در سیره عملی معصومین^(ع) مورد توجه بوده است. از این روست که گسترش تواضع و فروتنی با کمترین امکانات مادی ظاهری، جهت تنظیم مسائل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جهان اسلام طبق آموزه های قرآن در سیره عملی و شخصیت قرآنی حضرت امام جواد^(ع) نیز مشهود است.

خیران خادم گفت: در زمان حضرت جواد^(ع) عازم حج شدم حال آن جناب را از خدمت کاری که نزد ایشان موقعیتی داشت پرسیدم و درخواست کردم مرا خدمت ایشان ببرد. وارد شدم حضرت جواد^(ع) بالای يك سکوی بلند ایستاده بود که فرشی برای نشستن نداشت غلامی با جانمازی آمد و آن را پهن کرد امام^(ع) نشست. همین که چشم من به آن جناب افتاد هیبت و مقامش چنان مرا فرا گرفت که ترسیدم خواستم بالای سکوبروم بی آن که پای بر روی پلکان گذارم امام اشاره کرد که پلکان آنجاست بالا رفته سلام کردم دست خود را به جانب من دراز کرد گرفتم و بوسیدم و بر روی صورت خود گذاشتم با دست خود مرا نشانده من دست آن جناب را رها نکردم از هیبتی که مرا گرفته بود امام نیز دست خود را نکشید همین که حالت وحشت از دلم رفت، دستم را رها کردم از حالم جویا شد.^۷

علم و حکمت: دارایی علمی، فاکتوری تأثیرگذار بر پویایی، تعالی، قدرت و آراستگی حضرت امام جواد (ع) است. ایشان با آراسته شدن به زیور علم، آمادگی رویارویی با شرایط اجتماعی و توانمندی حل مسایل و مشکلات پیچیده جامعه را داراست و از این روست که علم حضرت در جهت بیان حقانیت اندیشه‌های شیعی قرار می‌گیرد. حضرت امام جواد (ع) در هنگامه بروز شبهات و دشمنی برای تضعیف جایگاه رفیع شیعه با شمشیر علم خود، از دین محافظت می‌نماید و به گونه‌ای یادآور علم لدنی اوست که قرآن کریم به آن اشاره دارد: «فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا» (الکھف، ۱۸/۶۵)؛ «[در آن جا] بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که رحمت [و موهبت عظیمی] از سوی خود به او داده، و علم فراوانی از نزد خود به او آموخته بودیم». برای ارزیابی علمی حضرت امام جواد (ع) مأمون گفت: ای یحیی از ابو جعفر مسأله‌ای فقهی پرس تا دریابی جایگاه او در فقه و علم دین چگونه است، یحیی گفت: ای ابو جعفر- خداوند بر صلاحیت بیفزاید- درباره فردی که در حال احرام، شکاری را بکشد نظرت چیست؟ حضرت (ع) فرمود: «آیا او، آن را در حرم کشته یا خارج از آن؟ دانای به مسأله و حکم بوده یا جاهل؟ از روی عمد کشته یا به خطا؟ بنده بوده یا آزاد؟ صغیر بوده یا کبیر؟ بار نخستش بوده یا قبلاً نیز انجام داده؟ صید از پرندگان بوده یا از دیگر جانوران؟ کوچک بوده یا بزرگ؟ برکاری که کرده اصرار دارد یا نادم است و پشیمان؟ - یعنی: قصد توبه دارد یا نه- آیا در شب و در لانه‌اش آن را کشته یا به روز و آشکارا؟ آیا آن فرد در حال احرام حج بوده یا احرام عمره؟» [با شنیدن این توضیحات] یحیی به گونه‌ای درمانده و زبون شد که آن امر بر هیچ یک از اهل مجلس پوشیده نماند، و همه از پاسخ امام (ع) غرق در حیرت شدند.^۸

احسان به والدین: قرآن مجید در چهار سوره به احسان به والدین اشاره نموده و بلافاصله آن را بعد از مسأله توحید قرار داده است. این هم ردیف بودن دو مسأله بیانگر این است که اسلام تا چه حد برای پدر و مادر احترام قائل است. پدر و مادر از جایگاه والایی برخوردار هستند به گونه‌ای که قرآن کریم برای رعایت جایگاه، مقام و شأن ایشان دستورات تربیتی را ارائه نموده و می‌فرماید: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۖ إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (الإسراء، ۲۳/۱۷)؛ «و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید! هرگاه

یکی از آن دو، یا هر دوی آن‌ها، نزد توبه سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آن‌ها روا مدارا و بر آن‌ها فریاد مزین! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه به آن‌ها بگو!».

بنابراین یکی از این پیوندها در اجتماع کوچک خانواده و با پدر و مادر است. والدین و فرزندان یک سلسله حقوق و تکالیف متقابلی نسبت به هم دارند که اگر درست فهمیده و به آن عمل شود، فرد تضمینی برای سایر پیوندهای اجتماعی و در سطوح مختلف خواهد داشت. پیوند با خدا در صورتی اثربخش است که پیوند خانوادگی در سایه رعایت حقوق و وظایف متقابل متجلی گردد. حضرت امام جواد^(ع) بر اساس منش قرآنی همواره شیعیان را به رعایت حقوق والدین بر اساس تعالیم آموزه‌های قرآن کریم و از جمله احسان به آن‌ها سفارش می‌نمود.

بکرین صالح گوید: دامادم به امام جواد^(ع) نوشت: پدرم مرد ناصبی بد اعتقادی است و از جانب وی با شدائد و زحماتی چند روبرو گشته‌ام، در صورت صلاحدید درباره من دعا کنید، و بیان فرمائید که نظرتان در این باره چیست؟ آیا با وی به دشمنی و پرخاش برخیزم یا مدارا نمایم؟ حضرت در پاسخ نوشتند: «نوشتات را فهمیدم و به آنچه در باره پدرت یاد کرده‌ای پی بردم، و إن شاء الله در باره تودست از دعا نمی‌کشم، و مدارا برای تو بهتر از دشمنی و پرخاشگری است، و همراه با هر مشکلی آسانی است، صبر را پیشه ساز که عاقبت از آن پرهیزکاران است، خداوند تورا بر ولایت آن کس که ولایتش را پذیرفته‌ای ثابت بدارد، ما و شما در امانت خدائیم، همان خدائی که اماناتش ضایع و تباه نگردهد». بکر گوید: پس از آن خداوند دل پدر او را مطابق میل وی برگرداند به طوری که در هیچ چیز با او مخالفت نمی‌ورزید.

صبر و بردباری: یکی از راه‌های رسیدن به قرب خداوند صبر در برابر اتفاقات دنیای پیرامون هرانسانی است که قرآن بر آراستگی انسان به زیور صبر در لحظات مواجهه با شرایط دشوار در زندگی تأکید فراوان دارد و از این روست که قرآن کریم صبر برای خداوند را به عنوان درمانی مؤثر برای انسان تجویز می‌نماید و چنین می‌فرماید: ﴿وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ﴾ (المدثر، ۷/۷۴)؛ «و برای پروردگارت شکیبایی کن».

امام جواد^(ع) نیز با شخصیت و هویت قرآنی‌اش در مقابل مصائب و گرفتاری‌های روزگار، مانند: همسر ناشایست، ستم‌های حاکمان مستبد، و نامالایمات چون شهادت پدر، شکیبا و بردبار بودند.

مردی از حضرت جواد^(ع) تقاضا کرد که وی را سفارشی بنماید. امام^(ع) فرمود: «آیا اگر موعظه کنم، آن را پذیرفته و عمل می کنی؟» گفت: بلی. امام فرمود: «تَوَسَّدَ الصَّبْرَ وَاعْتَنَقَ الْفَقْرَ وَارْفَضَ الشَّوَاتِ وَخَالَفَ الْهَوَى وَاعْلَمَ أَنَّكَ لَنْ تَخْلُوَ مِنْ عَيْنِ اللَّهِ فَانظُرْ كَيْفَ تَكُونُ؛ تکیه بر صبر کن و به فقر درآویز، و شهوات را رها کن و مخالفت با هوای نفس نما و بدان که تو از دیده خدا مخفی نیستی، دقت کن چگونه باید باشی»^۹.

حضرت امام جواد^(ع) در نامه ای به یک مرد مصیبت زده که از مصیبت از دست دادن فرزند غمگین بود چنین نگاشت: «أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَخْتَارُ مَنْ مَالَ الْمُؤْمِنِ وَمَنْ وَلَدَهُ أَنْفَسَهُ لِيَأْجِرَهُ عَلَي ذَلِكِ؛ آیا نمی دانی که خداوند عزوجل از مال مؤمن و فرزندان او می گیرد تا وی را بر این امر مأجور کند»^{۱۰}.

صلابت در دین داری: در حیات اجتماعی استواری و محکمی بر عقاید یکی از مهم ترین مؤلفه های مانایی است. طمع دشمنان نسبت به شخصی که صلابت عقیده ندارد، تحریک می گردد و این عدم صلابت بسان موربانه ای هویت فرد را از درون و تهدیدات خارجی از بیرون او را تهدید می کنند. با این نگاه دین مبین اسلام بر سر اصول معامله و سازش نمی کند؛ پیامبر گرامی اسلام^(ص) در ابلاغ وحی ذمه ای کوتاه نیامده و اهل مداهنه نبوده است و قرآن کریم در این باره می فرماید: «وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ * وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ» (الکافرون، ۴/۱۰۹-۳)؛ «و نه شما آنچه را من می پرستم می پرستید، و نه من هرگز آنچه را شما پرستش کرده اید می پرستم».

حضرت امام جواد^(ع) نیز بسان شخصیت پیامبر گرامی اسلام^(ص) که منبعث از آموزه های قرآنی است این صلابت در عقیده و دینداری را در حیات اجتماعی خود به منصفه ظهور گذارده است.

محمد بن ریان می گوید: مأمون خیلی سعی داشت که به نوعی حضرت جواد^(ع) را به لهو و لعب و ادا و ولی امکان پذیر نبود شب عروسی دخترش صد کنیز از کنیزان ماهر و را در اختیار من گذاشت تا هریک با جامی از جواهر که در دست داشتند به استقبال حضرت جواد^(ع) بروند در حالی که حضرت در محلی که برای داماد ترتیب داده بودن، نشسته بود. ولی امام^(ع) به هیچ کدام از آنها توجه نکرد.

مردی به نام مخارق عود نواز بود و ضرب می زد و می خواند، ریش بلندی داشت مأمون او را خواست. مخارق گفت اگر امری در مورد کارهای دنیا داری من از عهده آن

برمی آیم - منظورش این است که از من کار آخرت ساخته نیست ولی بازیگری و نوازندگی هر چه بگوئی از من می آید. - روبروی حضرت جواد (ع) نشست شروع کرد به خواندن چنان با صدای بلند آغاز نمود که تمام ساکنین خانه گرد او جمع شدند مشغول نواختن عود و خوانندگی شد ساعتی به کار خود سرگرم بود حضرت جواد (ع) به او اعتنائی نکرد، به جانب راست و چپ نیز توجه نکرد در این موقع سر برداشت، فرمود: «اتق الله يا ذا العُثُنون؛ از خدا بترس ای ریش دراز». يك دفعه مضراب و عود از دستش افتاد دیگر تا زنده بود نتوانست با آن دست کاری انجام دهد. مأمون پرسید چه شد چنین شدی. گفت همین که أبو جعفر حضرت جواد (ع) صدای خود را بلند کرد چنان وحشت مرا فرا گرفت که هرگز دیگر خوب نخواهم شد.»^{۱۱}

عفو و گذشت: یکی از فضایل اخلاقی، عفو و گذشت از حقوق خود است؛ زیرا عفو از مصادیق احسان است. و در اخلاق بر احسان به دیگری تأکید بسیار شده و آموزه های قرآنی و روایی نیز بر این خصوصیت اخلاقی تشویق و ترغیب کرده است. بنابراین عفو پسندیده، عفوی است که فرد با قدرت بر انتقام، از خطای شخصی که به او ستم کرده بگذرد. چنان که خداوند متعال در قرآن کریم چنین می فرماید: ﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾ (الأعراف، ۱۹۹/۷)؛ «[به هر حال] با آن ها مدارا کن و عذرشان را بپذیر، و به نیکی ها دعوت نما، و از جاهلان روی بگردان [و با آنان ستیزه مکن]».

حضرت امام جواد (ع) با تاسی از روش و سلوک قرآنی، با عفو و گذشت در برخورد با دشمنان و مخالفان در زندگی موجب عزت و سربلندی خود و به تبع آن، مجد و عظمت و پیروزی دین مبین اسلام را فراهم نموده است. برای تبیین این وجه از شخصیت حضرت به گوشه ای از سیره ایشان می پردازیم.

إِنَّ الْمُعْتَصِمَ دَعَا جَمَاعَةَ مِنْ وَرَثَةِ فَقَالَ اشْهَدُوا لِي عَلِيٌّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بِنِ مَوْسَى زُورًا وَ اَكْتَبُوا أَنَّهُ أَرَادَ أَنْ يَخْرُجَ! ثُمَّ دَعَا فَقَالَ: إِنَّكَ أَرَدْتَ أَنْ تَخْرُجَ عَلِيٌّ؟ فَقَالَ: «وَاللَّهِ مَا فَعَلْتُ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ». قَالَ: إِنَّ فُلَانًا وَ فُلَانًا شَهِدُوا عَلَيْكَ فَأَحْضَرُوا فَقَالُوا: نَعَمْ، هَذِهِ الْكُتُبُ أَخَذْنَاهَا مِنْ بَعْضِ غُلَمَانِكَ. قَالَ: وَ كَانَ جَالِسًا فِي بَهْوٍ. فَرَفَعَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) يَدَهُ وَقَالَ: «اللَّهُمَّ إِنْ كَانُوا كَذَبُوا عَلِيٍّ فَخَذْهُمْ». قَالَ: فَنَظَرْنَا إِلَى ذَلِكَ الْبَهْوِ كَيْفَ يَرْجِفُ وَيَذْهَبُ وَيَجِيءُ وَ كَلَّمَا قَامَ وَاحِدٌ وَقَعَ! فَقَالَ الْمُعْتَصِمُ: يَا بِنِ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي تَائِبٌ مِمَّا قَلْتُ، فَادْعِ رَبِّكَ أَنْ يَسْكَنَهُ. فَقَالَ: «اللَّهُمَّ سَكَّنَهُ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُمْ أَعْدَاؤُكَ وَأَعْدَائِي فَسَكَّنَهُ»؛

معتصم گروهی از وزیران خود را خواست به آن‌ها دستور داد به دروغ گواهی دهند که محمد بن علی بن موسی ^(ع) تصمیم به خروج و قیام دارد. بعد حضرت جواد ^(ع) را خواست و گفت تصمیم داری در دولت من قیام کنی؟ فرمود: «به خدا قسم چنین تصمیمی ندارم». معتصم گفت: فلان کس و فلانی بر کار تو شهادت می‌دهند، آن‌ها را حاضر کردند. گفتند صحیح است ما این نامه‌ها را از بعضی غلامان توبه دست آورده‌ایم. حضرت جواد در اطاق جلو بود دست‌های خود را بلند کرده گفت: «خدایا این‌ها را بگیر اگر دروغ می‌گویند». يك مرتبه دیدم اطاق جلوچنان به حرکت درآمد به گونه‌ای که می‌رود و می‌آید. هر کدام از ایشان که تصمیم به حرکت کردن می‌گیرد، به زمین می‌افتند. معتصم صدا زد یابن رسول الله من از حرف خود توبه می‌کنم از خدا بخواه که اطاق از حرکت بایستد. حضرت نیز دعا نمودند که: «خدایا اطاق را آرام فرما تومی‌دانی ایشان دشمن تو و من می‌باشند»، و اطاق آرام گرفت.^{۱۱}

مسئولیت‌پذیری در کودکی: منشأ ایجاد مسئولیت به طور ریشه‌ای و عمیق از باور حضور خداوند و اعتقاد به معاد و آخرت سرچشمه می‌گیرد. مسئولیت‌پذیری دارای ساحت‌های مختلفی است؛ و پذیرش مسئولیت الهی در سطح اجتماعی در سنین کودکی بر اساس آیات قرآنی در مورد انبیای الهی مورد تأیید قرار گرفته است. به عنوان نمونه خداوند متعال در قرآن کریم در مورد حضرت یحیی ^(ع) چنین می‌فرماید: ﴿يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا﴾ (مریم: ۱۹، ۱۲)؛ «ای یحیی! کتاب [خدا] را با قوت بگیر! و ما فرمان نبوت [و عقل کافی] در کودکی به او دادیم!».

و از این روست که مسئولیت‌پذیری حضرت امام جواد ^(ع) در سنین کودکی یکی از مصادیق مباهات شیعه به شخصیت قرآنی و شباهت‌های ایشان به انبیای الهی همچون حضرت یحیی ^(ع) و حضرت عیسی ^(ع) است.

دعوت به خیر جمعی: انجام هر نیکی از اقسام خیر به شمار می‌آید. افراد در جامعه انسانی و ایمانی باید در انجام کار نیک و پرهیز از رذایل و بدی‌ها به یکدیگر کمک کنند. دعوت به خیر جمعی راهکاری شایسته برای حفظ جامعه از تشتت و ایجاد وحدت اجتماعی و تبدیل آن به گفتمان عمومی جامعه است. از این روست که دعوت به خیر جمعی برای اخلاقی نمودن جامعه امری ضروری است و برای دست‌یابی به این مهم تعاون و همکاری برای انجام خوبی‌ها از اصول مهم حاکم بر جامعه می‌باشد. خداوند

متعال در تعبیری این دعوت به انجام نیکی‌ها را مدنظر داشته و می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ» (آل عمران، ۱۰۴/۳)؛ «باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی کنند».

بنابراین این دعوت به انجام خیر در سیره و شخصیت حضرت امام جواد^(ع) و در حمایت از مردم و رفع گرفتاری‌های آنان نمایان است.

احمد بن زکریا صیدلانی از شخصی اهل سیستان که از بنی حنیفه به شمار می‌رفت، نقل کرد که آن مرد گفت من با حضرت جواد^(ع) در آن سالی که به حج رفته بود، همسفر بودم. اول خلافت معتصم سرسفره نشسته بودیم گروهی نیز از مأمورین سلطان هم بودند. عرض کردم آقا فدایت شوم فرمان دار شهر ما ارادت مند به شما خاندان است، من در دفتر مالیاتی او مقداری مقروضم اگر صلاح بدانی نامه‌ای بنویسی که به من کمک کند. فرمود: «اورا نمی‌شناسم». عرض کردم همان طوری که توضیح دادم او از ارادتمندان به شما خاندان است نامه شما برای من سودمند است. حضرت^(ع) کاغذی به دست گرفته چنین نوشت: «بسم الله الرحمن الرحيم آوردنده نامه من نقل کرد که شما دارای مذهبی پسندیده هستی، بدان آنقدر از این مأموریت برای تو بهره خواهد بود که به مردم نیکی کنی، نسبت به برادران خود نیکوکار باش، بدان که خدای عزیز از تو باز خواست خواهد کرد حتی از يك ذره کوچک و دانه سپنجی».

راوی می‌گوید وقتی وارد سیستان شدم حسین بن عبد الله نیشابوری والی و فرماندار قبلاً از جریان نامه اطلاع حاصل کرده بود و فرسخ به استقبال من آمد نامه را به او دادم بوسید و روی چشم گذاشت و گفت چه حاجت داری. گفتم يك مالیاتی دارم که در دفتر تو مبلغ آن یادداشت شده دستور داد آن را از بین ببرند و گفت تا وقتی من فرماندار باشم مالیات از تو نخواهم گرفت بعد پرسید زن و فرزند چه داری، تعداد آن‌ها را گفتم، مقداری که مخارج من و آن‌ها را تأمین می‌نمود به اضافه مبالغ دیگری به من بخشید تا وقتی او زنده بود از من خراج نگرفت و از لطف و عنایت و بخشش او بی‌بهره نبودم، تا از دنیا رفت.^{۱۳}

قرین قرآن: خداوند متعال ضمن معرفی شخصیت و هویت قرآن و توصیف آن به مبارك بودن چنین می‌فرماید: «وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ» (الأنبياء، ۲۱/۵۰)؛ «و این [قرآن] ذکر مبارکی است که [بر شما] نازل کردیم؛ آیا شما آن را انکار می‌کنید؟».

قرآن ذکری است ثابت و دائم و کثیر البرکات، هم مؤمن از آن بهره‌مند می‌شود و هم

آسایش کافر را در جامعه بشری تأمین نموده است، و خلاصه همه اهل دنیا از آن منتفع می‌گردند، چه آن را قبول داشته باشند و چه نداشته باشند چه به حقانیت آن اقرار داشته باشند و چه منکر آن باشند.^{۱۴}

حضرت امام جواد^(ع) نیز بسان قرآن کریم که برای همه انسان‌ها پربرکت است، مولودی پربرکت در عالم تشیع معرفی شده است. از ابی یحیی صنعانی روایت شده است که: کنت عند ابی الحسن^(ع) فجئی باینه ابی جعفر^(ع) و هو صغیر فقال: «هذا المولود الذی لم یولد مولود أعظم علی شیعتنا بركة منه»؛ خدمت حضرت رضا^(ع) بودم پس فرزندش ابی جعفر^(ع) را که کودکی خردسال بود نزد او آوردند، فرمود: «این است آن مولودی که پربرکت‌تر از او برای شیعیان ما فرزندی زائیده نشده است».^{۱۵}

شاگرد پروری: مانایی و گسترش دین مبین اسلام در گرو توجه و اهتمام به روش‌های گوناگون است. گاهی این موضوع با جهاد و گاهی با فراگیری دین اتفاق می‌افتد به گونه‌ای که در قرآن کریم به این مهم اشاره شده است و خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (التوبة، ۱۲۲/۹)؛ «شایسته نیست مؤمنان همگی [به سوی میدان جهاد] کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند؟ [و طایفه‌ای در مدینه بماند]، تا در دین [و معارف و احکام اسلام] آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آن‌ها را بیم دهند؟! شاید [از مخالفت فرمان پروردگار] بترسند، و خودداری کنند!».

بنابراین یکی از مهم‌ترین اقدامات فرهنگی حضرت امام جواد^(ع) در راستای توجه به مقتضیات زمان و با تمسک به آموزه‌های هدایت‌گر قرآن کریم این بود که به تربیت شاگردان و یارانی که در منابع نام ۱۱۳ نفر از آنان مانند: أبوهاشم داود بن قاسم جعفری، نوح بن شعیب بغدادی، علی بن مهزیار اهوازی، ریان بن شیب و... آمده است، همت گمارده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به این که ائمه معصومین^(ع) حجت خدای تعالی و واسوه و سرمشق عملی مؤمنین می‌باشند و قرآن کریم نیز به عنوان بزرگ‌ترین پشتوانه ایشان است لذا آشنایی و

عمل به سیره اهل بیت عصمت و طهارت^(ع) تأثیر به سزایی بر شخصیت و رفتار انسان ها دارد. میان سیره عملی امام جواد^(ع) به عنوان اسوه و الگوی قرآنی، با مکتب قرآن کریم، پیوستگی، انطباق و ارتباط عمیق و ریشه داری وجود دارد و براساس روایت پیامبر اسلام^(ص) که فرمودند: «إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي أهل بيتي ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا أبداً وأنهما لن يفترقا حتى يردا عليّ الحوض»، دین قیم اسلام مبتنی بر کتاب و سنت است که منشاء علوم و معارف اسلامی، عقاید و اخلاقیات، عرفان و تفسیر و کلام و... می باشند. بنابراین، این دو ثقل گرانبهایه، تاقیامت توأم، تفرّق ناپذیر، عروة الوثقیای ایمان و هدایت و ایمنی بخش از کفر و ضلالت اند.

از این رو پس از قرآن کریم، هیچ چیز در میان مسلمانان همچون سنت نبوی و سیره اهل بیت نبوت^(ع) مورد اهتمام و عنایت نبوده است؛ چرا که اخبار و احادیث صادر شده از این معادن علم و هبّی و حکمت و حیانی، ملاک و مرجع عقیده و عمل مسلمانان است. لذا راه سعادت و کامروایی معنوی در پیروی از قرآن و عترت منحصر بوده و گام زدن در راه های دیگر، گمراهی و یا به بیراهه رفتن است و تمسک به این دو منبع بیکران، وظیفه هر مسلمان است و نخستین گام برای این تمسک، آگاهی از محتوای این دو گنجینه گرانبها می باشد.

۱. در روایتی گفته شده در دهم رجب و یا نیمه ماه رجب. نگاه کنید به تاج المولید / ۱۲۸؛ کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة، ۳۶۸/۲.
۲. إعلام الوری / ۳۴۴، مناقب ابن شهر آشوب، ۳۷۹/۴؛ کشف الغمّة، ۳۴۳/۲؛ به نقل از دلائل الإمامة، محمد بن حریر طبری ۳۸۳.
۳. مناقب ابن شهر آشوب، ۳۷۹/۴؛ والذی فی سائر المصادر أنه استشهد فی أول ملک المعتصم، وهو الموافق للصوصاب حیث إن ملک المعتصم امتدیین- ۲۱۹- ۲۷۷ هـ- انظر تاج المولید / ۱۲۸؛ إعلام الوری / ۳۴۴؛ کشف الغمّة، ۳۶۹ / ۲.
۴. تاریخ الأئمّة / ۳۰؛ الهدایة الكبرى / ۲۹۵؛ تاج المولید / ۱۲۷؛ مناقب ابن شهر آشوب، ۳۷۹/۴؛ إعلام الوری / ۳۴۵؛ کشف الغمّة، ۳۴۳/۲؛ الفصول المهمة / ۲۶۵.
۵. الخرائج والجرائح، ۳۸۳/۱، بحار الأنوار، ۴۹/۵۰.
۶. المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۳۹/۱۵.
۷. بحار الأنوار، ۱۰۶/۵۰.
۸. تحف العقول عن آل الرسول / ۴۵۲.
۹. همان / ۴۴۵.
۱۰. الکافی، ۳/ ۲۶۳؛ مشکاة الأنوار / ۲۸۰.
۱۱. بحار الأنوار، ۶۱/۵۰.
۱۲. همان / ۴۵.
۱۳. همان / ۸۶.
۱۴. المیزان، ۱۴ / ۲۹۶.
۱۵. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ۲۷۹/۲؛ الکافی، ۳۲۱/۱؛ إعلام الوری بأعلام الهدی / ۳۴۷؛ روضة الواعظین / ۳۲۷؛ مسند الإمام الرضا^(ع)، ۲۱۰/۱.
۱۶. من لا یحضره الفقیه، ۱/ ۲۶۲/ ح ۸۰۷.